رویش روان شناسی، سال۱۳، شماره ۱، شماره پیاپی۹۴، فروردین ۱۴۰۳
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),13(1), 2024

پیامدهای طلاق عاطفی از دیدگاه مردان: مطالعه‌ای پدیدار شناختی

Consequences of emotional divorce from men's point of view: A phenomenological study

دکتر محمدحسن آسایش
استادیار، گروه مشاوره، دانشکدهٔ علوم تربیتی و روان-شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
مینا تاران (نویسنده مسئول)
کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، گروه مشاوره، دانشکدهٔ علوم تربیتی و روان-شناسی، دانشگاه تهران، ایران.
دکتر مریم افتخاری
دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشکدهٔ علوم تربیتی و روان-شناسی، دانشگاه شهیدچمران، اهواز، ایران.

چکیده

طلاق عاطفی و اثرات آن بر خانواده موضوعی است که مورد توجه پژوهشگران زیادی قرار گرفته است. در این پژوهش با استفاده از روش کیفی از نوع پدیدارشناسی به بررسی دیدگاه مردان از این پدیده پرداخته شد. جامعه آماری شامل کلیه مردان مراجعه کننده به کلینیک آلفا در شهر زنجان و رشد در تهران در سال ۱۴۰۰ بود. از این جامعه آماری با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند تعداد ۱۸ نفر انتخاب شدند و با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و اکتشافی موردمطالعه قرار گرفتند. لازم به ذکر است که نمونه‌گیری تا زمان اشباع نظری داده‌ها ادامه یافته است. به منظور تجزیه وتحلیل داده‌ها، ابتدا داده‌ها ثبت و کدگذاری شده و سپس با استفاده از روش تحلیل مضمون (تماتیک) مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفتند. پیامدهای طلاق عاطفی از دیدگاه مردان چهار مضمون پیامدهای ارتباطی والد-فرزندی، پیامدهای ارتباطی خویشاوندی، تأثیر بر عملکرد فرزندان و پیامدهای شغلی را شامل گردید. بدین لحاظ، این پدیده می‌تواند در ابعاد مختلفی روابط اعضای خانواده و عملکرد آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین توجه به نتایج این پژوهش در راستای فهم بیشتر طلاق عاطفی و طراحی مداخلاتی برای حل آن دارای اهمیت است.

واژه‌های کلیدی: *طلاق عاطفی، مردان، پیامدهای طلاق، تحقیق پدیدارشناسی.*

Dr. Mohammad Hassan Asayesh
Assistant Professor, Department Of Counseling, Faculty Of Education And Psychology, University Of Tehran, Iran.
Mina Taran *
M.A in family counseling, Department Of Counseling, Faculty Of Education And Psychology, University Of Tehran, Tehran, Iran.
mina.taran@ut.ac.ir
Dr. Maryam Eftekhari
Ph.D in counseling, Department Of Counseling, Faculty Of Education And Psychology, University of Shahid Chamran, Ahvaz, Iran.

Abstract

Emotional divorce and its effects on the family is a topic that has attracted the attention of many researchers. In this research, using a qualitative method of phenomenology, men's points of view on this phenomenon have been investigated. The statistical population included all men who were referred to the Alfa Clinic in Zanjan and Rushd in Tehran in 1400. From this statistical population, 18 people were selected using the purposeful sampling method and were studied using semi-structured and exploratory interviews. It should be noted that sampling continued until data saturation. To analyze the data, the data were recorded and coded and then analyzed using the thematic analysis method. The consequences of emotional divorce from a man's point of view included four themes parent-child communication consequences, relative communication consequences, impact on children's performance, and job consequences. In this sense, this phenomenon can affect the relationships of family members and their performance in different dimensions. Therefore, it is important to pay attention to the results of this research to better understand emotional divorce and design interventions to solve it.

Keywords: *Emotional divorce, Men, consequences of Divorce, Phenomenological Study.*

نوع مقاله : پژوهشی **دریافت : شهریور ۱۴۰۲** **پذیرش: مهر ۱۴۰۲** **ویرایش نهایی: اسفند ۱۴۰۲**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-07]

مقدمه

ازدواج به‌عنوان اولین تعهد عاطفی و حقوقی برای دستیابی به نیازهای عاطفی و ایمنی، یکی از اساسی‌ترین تصمیم‌گیری‌های هر فرد است (اسکندی و همکاران، ۱۳۹۹). پرواضح است هیچ ازدواجی فاقد بحران نیست که در آن تعامل بین زوجین مختل نشود و زندگی آن‌ها دچار مشکل نشود (جروان[۱] و الفرحات[۲]، ۲۰۲۰). اما پژوهش نشان داده است که تعارض های زناشویی بالا و حل نشده یکی از عوامل ایجاد کننده طلاق عاطفی است که با کاهش همکاری زوجین، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، جلب حمایت فرزندان، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و جدا کردن امور مالی ارتباط دارد (صفائی راد و وارسته فر، ۱۳۹۱). به طوری که با گذر زمان، این‌گونه ازدواج‌ها به رابطه توخالی تبدیل می‌شوند که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی است و همسران فقط با جریان زندگی خانوادگی پیش می‌روند و زمان را سپری می‌کنند و درگیر جدایی عاطفی می‌گردند (آندربرگ[۳]، ۲۰۱۸؛ استاکبک[۴] و همکاران،۲۰۱۹). این پدیده به نوعی فروپاشی عاطفی رابطه زناشویی است که باعث تغییر در تعهدات و امتیازات دو نفر درگیر در این پدیده می‌شود (شارما[۵]، ۲۰۱۱). به‌ویژه در فرهنگ جوامع خاورمیانه، زوجین ممکن است برای حفظ خانواده به‌طور قانونی از هم جدا نشوند. غافل از اینکه نسبت به خطرات و پیامدهای طلاق عاطفی آگاهی نداشته(رشید و همکاران، ۲۰۲۱) و سال‌ها در کنار هم اما از نظر عاطفی جدا از هم زندگی می‌کنند. جروان[۶] و همکاران(۲۰۲۰) جدایی عاطفی را چنین تعریف می‌کنند: زوجین همسر خود را رها می‌کنند، خواه از طریق ترک رابطه عاطفی یا پرهیز از گفتگوی متقابل و از دست دادن محبت یکدیگر، درحالی‌که سایر حقوق زناشویی ایشان مانند بیمه و مسکن حفظ می‌شود. بنابراین طلاق عاطفی منجر به جدایی بیشتر می‌شود که فشار روانی بر زوج را نیز افزایش می‌دهد.

السون و دیفراین[۷] معتقدند طلاق عاطفی در پی پاسخ ندادن زوجین به نظرات، انتظارات و نیازهای یکدیگر اتفاق می‌افتد. در این موارد افراد نسبت به هم بی‌توجه شده و از یکدیگر پرهیز می‌کنند. درواقع کاهش چشمگیر تعاملات مثبت و رضایت از رابطه‌ی طرفین، زمینه‌ی طلاق عاطفی را فراهم می‌کند (یزدانی و همکاران،۱۳۹۲). مراحل طلاق عاطفی از نظر جروان و الفرحات (۲۰۲۰) عبارت است از اول: بی‌ثباتی و از دست دادن اعتماد به طرف مقابل. دوم: سرخوردگی و از دست دادن عشق. در این مرحله، سرزنش و شدت محاسبه امور بسیار زیاد است. هر دو نفر احساس می‌کنند اشتیاقشان به یکدیگر دیگر مانند گذشته نیست. به خواسته‌های هم اهمیت نمی‌دهند و تمایل دارند در کاستی‌ها اغراق کنند. سوم: خودخواهی است که به تخریب قوانین خانواده منجر می‌شود. هر یک از زوجین تنها به خود فکر می‌کند و منافع دیگری برایش اهمیتی ندارد. چهارم: سکوت زناشویی. این به معنی صحبت نکردن و یا تبادل احساسات دوستی با دیگری نیست بلکه به بیهودگی گفتگو با یکدیگر پی می‌برند و این مسئله منجر به افزایش فاصله بین آن‌ها می‌گردد. پنجم: طلاق عاطفی. در این مرحله موانع روانی بین همسران افزایش می‌یابد. هیچ اهمیتی به یکدیگر نمی‌دهند و خواسته‌ها و نیازها را با هم معامله می‌کنند.

از عوامل زمینه‌ساز طلاق عاطفی می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی بی‌مسئولیتی و روان آزرده خویی[۸] (ابراهیمی و حیدری، ۱۳۹۹)، مشکلات ارتباطی و جنسی و خشونت (رمضانی، کلدی و قدیمی،۱۴۰۰)، کیفیت زندگی و تاب‌آوری پایین (علاقبند و همکاران، ۱۳۹۹)، رضایت زناشویی پایین (خدابخشی کولایی، فلسفی نژاد و صبوری، ۱۳۹۸) و سبک دلبستگی ناایمن (احمدلو و زینلی، ۲۰۱۸) اشاره کرد.

از سوی دیگر، جدایی عاطفی پیامدهای روان‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی برای افراد خانواده در پی دارد (دویلد[۹] و استیر، ۲۰۱۴). در این میان، تعارض به سطح خانواده کشیده می‌شود و بر رابطه والد فرزندی و بر دلبستگی فرزندان به والدین نیز اثرگذار است (هانوم و دووراک[۱۰]، ۲۰۰۴). به طوری که از دیدگاه پیروان نظریه دلبستگی، هر فردی مدل کاری درونی[۱۱] از روابط اولیه دلبستگی خود به همراه خواهد داشت که پایه‌ای برای روابط بزرگسالی وی خواهد شد (جانسون، ۱۴۰۰). درصورتی‌که روابط خانوادگی فرد پر از تعارض بوده باشد، انتظار می‌رود که روابط بزرگسالی او نیز مخرب باشد (تینا[۱۲] و همکاران، ۲۰۱۳؛ رفاهی، ۲۰۱۶).

1. Jarwan
2 .Al-frehat
3. Anderberg
4. Stokkebekk
5.Sharma
6 .Jarwan
7. Olson ,& Defrine
8. neuroticism
9. Dewilde,& Stier
10 . Hannum, & Dvorak.
11 .Internal working model
12. Tina

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-07]

در زمینه اثر طلاق عاطفی بر اعضاء خانواده می‌توان به پژوهش ارجمند و همکاران (۱۳۹۳) اشاره کرد که نشان دادند بین طلاق عاطفی و بزهکاری و افسردگی فرزندان همبستگی مثبت و معناداری مشاهده شده است. هاشمی و همایونی (۲۰۱۷) در پژوهشی بر روی فرزندان والدین دچار طلاق عاطفی به این نتیجه دست یافتند که این فرزندان در مقایسه با همتایان خود در طلاق قانونی، ناسازگارترند و متحمل آسیب‌های روانی و عواطف منفی بیشتری می‌شوند. جعفرزاده و همکاران (۱۴۰۰) با بررسی تجربه زیسته فرزندان والدین دچار طلاق عاطفی، به پیامدهای طلاق عاطفی بر فرزندان از جمله نداشتن رغبت و نگرش منفی به ازدواج، نگرانی از افشا شدن روابط والدین، مخالفت با فرزندآوری، اجتناب از روابط صمیمانه و اثر منفی بر تحصیل فرزندان اشاره‌کرده‌اند. همچنین دهقانی و همکاران (۱۳۹۸) و بهره گیر (۱۳۹۸) در پژوهشی با بررسی پیامدهای اجتماعی طلاق عاطفی در زنان نشان دادند که طلاق عاطفی با انزوای اجتماعی زنان رابطه مستقیم دارد و می‌تواند پیش‌بینی کننده آسیب‌های اجتماعی در زنان باشد. در زمینه فراوانی این پدیده در ایران نیز، اسلامی و همکاران (۲۰۲۰) با بررسی یک‌سوم استان‌های ایران به این نتیجه دست یافتند که نارضایتی و طلاق عاطفی نسبتاً بالایی در بین نمونه مورد بررسی وجود دارد. با توجه به پژوهش‌های انجام گرفته مبنی بر اثرگذاری پیامدهای طلاق عاطفی بر نهاد خانواده، ارزیابی این مسئله ضروری است؛ زیرا طلاق عاطفی موجب تضعیف انسجام خانوادگی و شکست خانواده در رسیدن به اهداف خود از جمله تعلیم و تربیت فرزندان برای پذیرفتن نقش‌های اجتماعی و کاهش مسئولیت‌پذیری اجتماعی و خانوادگی می‌گردد. در این راستا، با توجه به اهمیت موضوع طلاق عاطفی و پیامدهای آن از جمله تأثیر این مساله در روابط فرا زناشویی و ارتباط مخدوش پدر با فرزندان و کم بودن پژوهش در این نمونه خاص و همچنین با بررسی روش‌های پژوهش مختلف، کمتر تحقیق کیفی در این زمینه یافت شد و غالبا تحقیقات بر روی نمونه زنان انجام شده بود. لذا در این پژوهش روش پدیدارشناسی به عنوان مناسب‌ترین روش برای انجام این مطالعه انتخاب گردید؛ بنابراین بررسی تجربه زیسته مردان درگیر طلاق عاطفی زمینه‌ای برای فهم دقیق پیامدهای این پدیده فراهم می‌کند و ازآنجایی‌که بر اساس جستجوی نویسندگان پژوهشی برای بررسی طلاق عاطفی از دیدگاه مردان انجام نشده است و خلأ آن در پژوهش‌های علمی مشهود است، لذا اهمیت شناسایی این تجارب می‌تواند مقدمه‌ای برای تدوین برنامه‌های مداخلاتی مناسب در این زمینه و کاهش طلاق در زوجین باشد. لذا این پژوهش به دنبال شناسایی تجربه زیسته مردان از پیامدهای طلاق عاطفی می‌باشد.

روش

در این تحقیق با توجه به اینکه هدف اصلی پژوهش، شناسایی پدیدهٔ طلاق عاطفی در مردان بود و مشارکت‌کنندگان در پژوهش نیز این پدیده را به‌طور مستقیم تجربه کرده‌اند، نیاز است از تجربیات و کیفیات ارتباطی‌شان اطلاعات لازم به دست آید. بهترین روشی که می‌تواند به پرسش پژوهش پاسخ مناسبی دهد و ابهام‌های آن را رفع کند، روش پژوهش کیفی، از نوع پدیدارشناسی[1] است؛ مطالعه‌ی پدیدارشناسی، معنای تجارب زیسته افراد متعدد از یک مفهوم یا پدیده را مدنظر قرار می‌دهد (کرسول[2]،۲۰۰۹؛ ترجمه دانایی‌فرد و صالحی ۱۳۹۰). با توجه به شرایط کرونا و محدودیت دسترسی به داده‌ها دو شهر زنجان و تهران به عنوان میدان پژوهش و جهت نمونه‌گیری انتخاب شد. جامعه آماری شامل کلیه مردان مراجعه کننده به کلینیک آلفا در شهر زنجان و رشد در تهران در سال ۱۴۰۰ بود. از این جامعه آماری با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند تعداد ۱۸ نفر انتخاب شدند و با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و اکتشافی موردمطالعه قرار گرفتند. ملاک های ورود عبارت بود از:۱) متأهل بودن ۲) داشتن تجربه جدایی عاطفی. ملاک خروج از پژوهش نیز شامل: هم‌زمان در فرایند درمان زوجی بودن، تحت درمان روان‌پزشکی بودن، داشتن اختلالات بالینی همبود و انصراف از پژوهش بود. ابتدا با ۱۵ نفر مصاحبه انجام شد و داده‌ها به حد اشباع رسیدند و دیگر مفهوم جدیدی به دست نیامد و برای اطمینان با ۳ نفر دیگر نیز مصاحبه انجام شد و نهایتاً ۱۸ نفر از مردانی که جدایی عاطفی را تجربه می‌کردند مورد مطالعه قرار گرفتند.

ابزار سنجش

ابتدا از بین افراد متقاضی خدمات مشاوره به دلایل تعارضات زوجی و متقاضیان طلاق، از طریق ملاک‌های ورود و مبتنی بر هدف پژوهش و همچنین از طریق مقیاس طلاق عاطفی گاتمن (۱۹۹۷)، افراد واجد شرایط انتخاب شدند و سپس از طریق مصاحبه های نیمه ساختار یافته و عمیق مورد مطالعه قرار گرفتند.

1. Phenomenology
2.Creswell

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-07]

مقیاس طلاق عاطفی گاتمن[1]: این مقیاس توسط گاتمن (۱۹۹۷؛ ۲۰۰۸) ساخته شد و دارای ۲۴ سوال می باشد. نمره گذاری پرسشنامه به صورت بله و خیر است. پاسخ بله امتیاز یک و پاسخ خیر امتیاز صفر می گیرد. هر چقدر میزان جواب های بله و در نتیجه نمره فرد بیشتر باشد احتمال طلاق عاطفی بیشتر است. در پژوهش مامی و عسگری (۱۳۹۳) آلفای کرونباخ برای پایایی پرسشنامه ٪۸۳ ذکر شده است. در پژوهش بیات مختاری(۱۳۹۲) روایی مقیاس با روش تحلیل عاملی مورد بررسی و تایید قرار گرفت. آنها پس از ترجمه مجدد این مقیاس، از چهار تن از متخصصان در این زمینه، نظر خواهی و روایی صوری آن حاصل شد که مقدار روایای همگرای به دست آمده نیز ۰.۷۴ گزارش شده است. پروین و همکاران (۲۰۱۲) ضمن مطالعه ۱۶ پاسخگو از خانواده‌های ساکن شهر تهران، میزان روایی را برای پرسشانامه طلاق عاطفی گاتمن، ۱.۹۳ گزارش کردند روایی این پرسشنامه در پژوهش اصل و همکاران (۱۴۰۰) مقدار ۰.۸۴ گزارش شده است.

در این پژوهش از کلیه افرادی که در فراخوان شرکت کرده بودند و به پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن به بیش از ۸ پرسش پاسخ بلی داده بودند برای مصاحبه انتخاب شدند. این تعداد پاسخ به این معنا بود که زندگی فرد در معرض جدایی قرار داشته و علائمی از طلاق عاطفی در وی مشهود بوده و لذا می توانستند به عنوان مشارکت‌کننده انتخاب گردند.

مصاحبه: در این پژوهش به دلیل ماهیت اکتشافی از مصاحبه نیمه ساختار یافته و عمیق فردی از نوع بنا به فرصت پیش‌آمده استفاده شده است. این نوع مصاحبه که به مصاحبه پدیدارشناسی نیز مشهور است، اطلاعات را عمیق و ژرف به صورت مشارکت بین پژوهشگر و مصاحبه‌شونده به‌دست می‌آورد. سن، وضعیت تأهل، شغل شرکت کنندگان، قبل از مصاحبه گردآوری می‌شد. برای طراحی سوالات مصاحبه از ادبیات و نظرات متخصصین مربوطه استفاده شد. برای تعیین رئوس مطالب مصاحبه، با دو مرد پیش مصاحبه نیز انجام شد. سؤالات مصاحبه بر اساس هدف کلی پژوهش، پژوهش‌های قبلی مرتبط و نظرخواهی از ۴ مشاور باتجربه و آگاه به موضوع طراحی شد تا دارای روایی محتوایی کافی باشد؛ و پس از تأیید متخصصین در خصوص روایی آن مورداستفاده قرار گرفت. پس‌ازآن برخی اطلاعات جمعیت شناختی مانند سن، طول مدت ازدواج، تعداد فرزند، شغل، تحصیلات موردبررسی قرار گرفت. در ابتدا مصاحبه‌ها با یک سؤال باز پاسخ «شرایط ارتباطی سرد و خالی از عاطفه رابطه شما با همسر چه پیامدها و آسیب‌های روانشناختی در پی داشته است؟» شروع و در ادامه با توجه به پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان و با درنظرداشتن هدف پژوهش، سؤالات جدیدتری پرسیده شد. مصاحبه‌ها بین ۴۵-۳۰ دقیقه متناسب با روایات، میزان تحمل و علاقه مشارکت‌کنندگان به طول می‌انجامید. اگر شرکت کننده‌ای در طول مصاحبه مشکلات عاطفی به نمایش می‌گذاشت، مداخله روانشناختی کافی برای جلوگیری از آسیب ثانویه روانشناختی ارائه می‌شد. پس از اطمینان دادن به مراجع از محرمانه بودن اطلاعات، اجازه ضبط مصاحبه‌ها از مشارکت‌کنندگان اخذ گردید. سپس برای انجام تحلیل‌های بعدی، مصاحبه‌های ضبط‌شده به‌دقت روی کاغذ پیاده‌سازی شد.

پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، به‌منظور تجزیه‌وتحلیل داده‌ها، ابتدا داده‌ها ثبت و کدگذاری شده و سپس با استفاده از روش تحلیل مضمون[2] (تماتیک) تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت. تحلیل مضمون عبارت است از تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیلی که در آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و برونداده ای به یک سنخ شناسی تحلیل دست می‌یابد. این نوع تحلیل در وهله اول به دنبال الگویابی در داده است. در این پژوهش از روش دپوی و گیتلین[3] (۱۹۹۳) استفاده شد. این روش شامل دو مرحله است که مرحله اول شامل چهار زیر مرحله می‌باشد که می‌تواند به صورت هم‌زمان هم صورت گیرد، این زیر مراحل عبارت‌اند از: ۱) درگیری در تفکر قیاسی-استقرایی به‌طور هم‌زمان ۲) ساخت و تدوین مقوله‌ها: این مقوله‌ها از طریق فرآیند کدگذاری متعارف ساخته می‌شوند. در ابتدا مفاهیم اولیه و سپس مقوله‌های اساسی (کدبندی متمرکز) شکل می‌گیرند ۳) گروه‌بندی مقوله‌ها در سطح بالاتر از انتزاع: مقوله‌ها را می‌توان مجدداً بر اساس منطق مقایسه‌ای و معنایی به سطح بالاتر از انتزاع ارتقا داد ۴) کشف معنایی و تم‌های زیرین. مرحله دوم نسخه تحلیل مضمون به آماده کردن گزارش تحقیق اختصاص دارد (طیبی ابوالحسنی، ۱۳۹۸).

به‌منظور صحت و اعتبار داده‌های پژوهش از چهار شاخص اعتبار گوبا و لینکلن[4] (۱۹۸۹) استفاده شد برای تضمین **قابلیت اعتبار**[5] داده‌ها پس از تحلیل، تلاش شد تا مصاحبه دوباره به برخی از شرکت‌کننده بازگشت داده شود تا صحت‌وسقم مطالب تأیید و نهایتاً تغییرات

1 Divorce Emotional Scale.
2. Thematic analysis
3. Depoy ,& Gitlin
4 .Guba ,& Lincoln
5 .Credibility

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-07]

لازم اعمال گردید. جهت تضمین **قابلیت ثبات**[1] سعی بر آن بود که پژوهشگر از همه مشارکت کنندگان راجع به یک موضوع پرسیده شود. برای برآوردن ملاک **تایید پذیری**[2] از راهنمایی و نظارت همکاران متخصص که در پژوهش حاضر اساتید راهنما و مشاور بودند استفاده شد و متن مصاحبه جهت بررسی کدگذاری‌ها به اساتید و یک متخصص پژوهش کیفی داده شد. جهت **انتقال پذیری**[3] به موقعیت‌های دیگر، این تلاش صورت گرفت که برای شرکت در پژوهش تا حد امکان از افراد با سطح اجتماعی- اقتصادی، معنوی و سنی متفاوت استفاده شود.

ملاحظات اخلاقی: قبل از مصاحبه‌ها ابتدا اهداف پژوهش برای مشارکت‌کنندگان بیان گردید، در رابطه با محرمانه ماندن اطلاعات با آن‌ها صحبت گردید و اطمینان خاطر داده شد که نتایج مربوطه محفوظ باقی خواهد ماند. همچنین داشتن حق ترک از مصاحبه در هر زمان و کناره‌گیری از پژوهش بدون آن‌که پیامد منفی برای مشارکت‌کنندگان داشته باشد مطرح گردید. در آخر، از آن‌ها اجازه ضبط صدا گرفته شد و با رضایت آگاهانه در پژوهش شرکت یافتند. همچنین پژوهش حاضر در کمیته اخلاق دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران با شناسه IR.UT.PSYEDU.REC.1401.004 مصوب گردیده است.

یافته ها

تعداد مردان درگیر جدایی عاطفی شرکت‌کننده در این پژوهش ۱۸ نفر بودند و اطلاعات جمعیت شناختی آن‌ها در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی

ردیف	جنسیت	سن	مدت ازدواج	مدت طلاق عاطفی	تعداد فرزند	شغل
۱	مرد	۳۷	۱۶	۱سال	۲	نگهبان شرکت
۲	مرد	۳۹	۱۱	۱ ماه	۲	پیمانکار ساختمان
۳	مرد	۳۲	۸	۶	۰	راننده
۴	مرد	۳۰	۷	۲/۵	۰	کافی من
۵	مرد	۴۵	۲۰	۸	۲	راننده شرکت
۶	مرد	۴۵	۱۲	۵	۱	کارمند شرکت IT
۷	مرد	۳۸	۱۳	۶	۱	بنا
۸	مرد	۴۶	۲۸	۹	۳	طلبه
۹	مرد	۵۴	۱۲	۴	۲	پزشک عمومی
۱۰	مرد	۳۹	۹	۳	۲	کارمند شرکت دارو
۱۱	مرد	۳۸	۱۳	۵	۲	کارمند
۱۲	مرد	۴۰	۸	۳	۱	کارمند
۱۳	مرد	۳۵	۶	۳	۲	مهندس کامپیوتر
۱۴	مرد	۳۸	۶	۲	۱	بازاری
۱۵	مرد	۳۹	۱۱	۴	۲	ازاد
۱۶	مرد	۳۸	۱۵	۷	۳	کارمند ثبت احوال
۱۷	مرد	۴۰	۸	۳	۳	حسابدار
۱۸	مرد	۴۵	۲۳	۶	۳	ازاد

1. Dependability
2. Confirmability
3. Transferability

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-07]

همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، مجموعاً ۱۸ مرد در بازه سنی ۵۴-۳۰ سال در پژوهش حاضر شرکت کردند. از بین ۱۸ نفر شرکت‌کننده، تعداد ۱۱ نفر (۶۱٪) در بازه سنی ۳۹-۳۰ سال، ۶ نفر (۳۳٪) در بازه سنی ۴۹-۴۰ سال و ۱ نفر (۶٪) در بازه سنی ۵۱ به بالا قرار داشتند، همچنین میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۳۹/۸۸ سال بود. دو نفر از مردان بدون فرزند، چهار نفر دارای ۱ فرزند، هشت نفر دارای ۲ فرزند و چهار نفر دارای ۳ فرزند بودند. پس از تجزیه‌وتحلیل داده‌ها در ادامه به سؤال پژوهش پاسخ داده شده است.

سؤال پژوهش: طلاق عاطفه مردان چه پیامدها و آسیب‌هایی در پی دارد؟

پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها و تحلیل آن مضامین اصلی، مضامین فرعی و مفاهیم اولیه به شرح جدول ۲ استخراج شد.

جدول ۲. پیامدهای جدایی عاطفی از دیدگاه مردان

طبقه یا مضمون اصلی	زیر طبقه (مضمون فرعی)	مفهوم اولیه
پیامدهای ارتباطی والد-فرزندی	الگو گیری منفی فرزند از مادر	ناسزاگویی فرزند
		بی‌احترامی فرزند به دیگران
		همانندسازی شخصیتی منفی
	گسستگی رابطه مادر-فرزندی	پرخاشگری مادر نسبت به فرزندان
		کم‌توجهی و سردی مادر نسبت به فرزندان
		بی‌حوصلگی مادر در تعامل با فرزندان
	گسست رابطه پدر – فرزندی	ترس فرزندان از پدر
		ایجاد فاصله عاطفی با پدر
		ائتلاف پدر-فرزند
پیامدهای ارتباطی خویشاوندی	گسستگی روابط خانوادگی	قطع ارتباط خانوادگی
		ارتباط محدود با خانواده
		تعارض با خانواده مبدأ
تأثیرات بر عملکرد فرزندان	مشکلات تحصیلی فرزندان	عدم توانایی در برنامه‌ریزی تحصیلی
		افت تحصیلی
		دلزدگی از درس
	تأثیر در ازدواج فرزندان	اضطراب از شرایط بد خانواده
		به تعویق انداختن ازدواج
	مشکلات رفتاری – عاطفی فرزندان	اضطراب
		پرخاشگری
		افسردگی
		احساس عدم امنیت
	مشکلات طبی فرزندان	شب‌ادراری
		سردرد
		اختلال در خواب
پیامدهای شغلی	تأثیرات منفی شغلی	فرسودگی شغلی
		از دست دادت شغل
		عدم تمرکز در کار
		بی‌انگیزگی شغلی
	تأثیرات مثبت	رشد فردی

همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود تجزیه‌وتحلیل داده‌ها در خصوص پیامدهای جدایی عاطفی در خانواده‌های متعارض منجر به تولید ۴ مضمون اصلی و ۱۰ مضمون فرعی و ۲۹ مفهوم اولیه گردید. بر اساس تحلیل صورت گرفته، پیامدهای ارتباطی والد-فرزندی، پیامدهای ارتباطی خویشاوندی، تأثیرات واقع بر عملکرد فرزندان و پیامدهای شغلی مجموعه پیامدهای جدایی عاطفی بودند.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-07]

پیامدهای ارتباطی والد-فرزندی

برقراری رابطه مؤثر بین اعضای خانواده به‌خصوص رابطه بین والدین و فرزندان پیش‌نیاز مهمی برای سلامت روان آنان خواهد بود. این مضمون اصلی شامل مضامین فرعی چون الگو گیری منفی فرزند از مادر، گسستگی رابطه مادر – فرزندی، گسستگی رابطه پدر – فرزندی می‌باشد.

الگو گیری منفی فرزند از مادر: برخی از مردان درگیر جدایی از الگو گرفتن منفی فرزندانشان از رفتار همسرشان شکایت داشتند که به‌صورت ناسزاگویی فرزند، بی‌احترامی فرزند و همانندسازی شخصیتی منفی در فرزندانشان بروز می‌کند. به‌طوری‌که شرکت‌کننده شماره ۸ اشاره می‌کند:

«من می‌بینم که چطور فرزندان پرخاشگر شدن و الفاظ رکیک استفاده می‌کنند درحالی‌که معنیشو هم نمی‌دونند».

شرکت‌کننده شماره ۱۳ افزود: *«از مادرشون الگو گرفتن و وقتی می‌بینند مادرشون احترام نمیذاره اوناهم طبیعتا برای من احترامی قائل نیستند».*

گسستگی رابطه مادر – فرزندی: برخی از مردان درگیر جدایی از روابط همسرانشان با فرزندان خود شکایت داشتند و اشاره داشتند که روابط همسرشان با فرزندان دچار اختلال شده است که این تغییرات به‌صورت تندخویی، کم‌توجهی و یا بی‌حوصلگی مادر نسبت به فرزندان بود. در این زمینه شرکت‌کننده شماره ۸ اشاره می‌کند:

«همسرم حتی با بچه‌ها هم بدرفتاری می کنه و فحش‌های رکیک استفاده می کنه و این منو بیشتر از هر چیزی اذیت می کنه».

شرکت‌کننده شماره ۱ افزود: «همسرم توانایی تربیت کردن نداره و تا لنگه ظهر خوابند. صبحونه و ناهارشون یکیه و بچه هام مثل خودش شدن».

گسستگی رابطه پدر – فرزندی: برخی از مردان درگیر جدایی در روابط خود با فرزندان دچار مشکلاتی شدند و کیفیت رابطه آن‌ها با فرزندان دستخوش تغییر قرار گرفت. این تغییرات به صورت ترس فرزندان از پدر، بی‌احترامی به پدر، ایجاد فاصله عاطفی با پدر بود و در برخی موارد نیز ارتباط پدر فرزندی دچار تغییر خاصی نشده بود.

در این زمینه شرکت‌کننده شماره ۱ اشاره می‌کند:

«من جدا از خانوادم زندگی می‌کنم و وقتی میرم به دیدن فرزندانم متوجه میشم که از من می‌ترسند و فرارین. نمی‌دونم همسرم چیا گفته بهشون».

شرکت‌کننده شماره ۱۳ افزود: *«از مادرشون الگو گرفتن و وقتی می‌بینند مادرشون احترام نمیذاره اونا هم طبیعتا برای من احترامی قائل نیستند».*

پیامدهای ارتباطی خویشاوندی

این مضمون اصلی شامل مضمون فرعی گسستگی روابط خانوادگی می‌باشد. با توجه به مصاحبه‌های انجام شده خانواده‌های درگیر جدایی رابطه چندانی با خویشاوندان خود نداشته‌اند. عده‌ای به‌طور کامل رابطه خود را قطع کرده و برخی رفت‌وآمد محدودی را گزارش کرده‌اند؛ و اذعان داشتند که تمایل چندانی به این‌که خانواده‌ها متوجه این موضوع بشوند ندارند.

شرکت‌کننده شماره ۴ عنوان می‌کند که: *«برای اینکه خانوادم متوجه مسائل ما نشن رابطمونو محدود کردیم تا فکرشون درگیر ما نشه».*

شرکت‌کننده شماره ۱۴ افزود: *«همسرم فردی حسود و دهن بین هستن و خودشون رابطه رو با خانواده من قطع کردن من هم به خونه پدری ایشون نمیرم چون اینطوری هم دخالت ها کمتره هم احساس راحتی می‌کنم».*

تأثیرات واقع بر عملکرد فرزندان

یکی دیگر از پیامدهای طلاق عاطفی مشکلات تحصیلی فرزندان می‌باشد که شامل عدم توانایی در برنامه‌ریزی تحصیلی، افت تحصیلی و دلزدگی از درس می‌باشد. کودکان و نوجوانانی که دارای روحیه شاد و ازنظر عاطفی و روانی سالم هستند، به‌طور طبیعی تلاش و کنجکاوی زیادی برای درک و فهم مسائل مختلف نشان می‌دهند و معمولاً از پیشرفت تحصیلی خوبی نیز برخوردارند. این در حالی است که کودکان و نوجوانان خانواده‌هایی که والدین آن‌ها از یکدیگر جداشده‌اند، به درس و مدرسه علاقه‌ای ندارند و افت تحصیلی در آن‌ها کاملاً آشکار است.

شرکت‌کننده شماره عنوان ۲ می‌کند که: «هر بار با یه بهونه میخواد که به مدرسه نره و دل درد رو بهونه میکنه».

شرکت‌کننده شماره۱۸ افزود: «معلم فرزندم منو دعوت کرد به مدرسه و گفتن که چقدر فرزندم نسبت به قبل افت کرده».

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-07]

تأثیر در ازدواج فرزندان: در پی جدایی عاطفی، خانواده آسیب می‌بیند و در فضایی که زن و شوهر یکدیگر را دوست ندارند و یکدیگر را تحمل می‌کنند، فرزندان از این مسائل بسیار تأثر می‌پذیرند که می‌توان به کاهش میل به ازدواج در دیگر اعضای خانواده اشاره کرد. تأثیرات منفی جدایی عاطفی پدر و مادر بر ازدواج فرزندان موجب مشکلات تأهل در آن‌ها می‌شود که موجب نگرانی و یا به تعویق انداختن ازدواج فرزندان می‌شود.

در این مورد شرکت‌کننده شماره ۵ عنوان می‌کند که: «دخترم خواستگارهای زیادی داره اما مدام ازدواجش رو به تعویق میندازه چون نمیخواد دیگران متوجه شرایطمون بشن چون ما جدا زندگی می‌کنیم».

مشکلات رفتاری – عاطفی فرزندان: در این مضمون مشکلات رفتاری چون پرخاشگری، اضطراب، افسردگی و احساس ناامنی در کودکان گزارش شده است. جدایی عاطفی والدین تأثیرات مهمی در ابعاد مختلف زندگی فرزندان می‌گذارد و آن‌ها را دچار تنش‌هایی می‌کند که می‌تواند مسیر آینده وزندگی‌شان را تغییر دهد. ترس از طردشدگی و تنها ماندن، احساس گناه، غم و اندوه، افسردگی، به وجود آمدن زمینه‌های اضطراب، پرخاشگری و از کوره دررفتن از جمله آثار این جدایی بر روی فرزندان است که در افراد مختلف متناسب با جنسیت و شخصیت بروز پیدا می‌کند.

شرکت‌کننده شماره ۱۲ عنوان می‌کند که: «پسرم همیشه موقع خواب منو بغل میکنه و میگه بابا توروخدا منو تنها نزار من از تنهایی می‌ترسم».

شرکت‌کننده شماره ۱۵ افزود: «بنا به توصیه مشاور مدرسه، با فرزندم پیش روانشناس کودک رفتیم تا فرزندم تحت کنترل باشه».

شرکت‌کننده شماره ۱۰ افزود: «بچه هامم عمیقاً از این شرایط ناراحتن و دخترم سن ازدواجشه و نگران شرایط محیطی خونست».

مشکلات طبی فرزندان: یکی دیگر از پیامدهای جدایی عاطفی پدر و مادر مشکلات طبی در فرزندان است که به صورت شب ادراری، سر درد و یا اختلال در خواب فرزندان بروز می‌کند. این کودکان به کرات دچار مشکلات خواب یا کابوس می‌شوند و حتی ممکن است دنبال جایگزینی برای فرار از شرایط موجود باشند که برایشان خطرساز خواهد بود.

شرکت‌کننده شماره ۲ عنوان می‌کند که: «فرزندم اول اینطو نبود اما با افزایش دعواهای ما به شب ادراری دچار شد».

شرکت‌کننده شماره ۱۸ افزود: «فرزندم شبا موقع خواب مشکل به خواب رفتن داره و میترسه بخوابه پاشه من کنارش نباشم».

پیامدهای شغلی

بر اساس تحلیل صورت گرفته، پیامدهای شغلی شامل تأثیرات منفی و تأثیرات مثبت شغلی می‌باشد.

تأثیرات منفی شغلی: تأثیرات منفی جدایی عاطفی بر شغل این افراد به‌صورت فرسودگی شغلی، از دست دادن شغل، بی‌انگیزگی و عدم تمرکز خود را نشان داده است. برخی شرکت‌کنندگان اشاره داشتند که محیط نامساعد خانه انگیزه و تمرکز کافی را از آن‌ها گرفته و دیگر بازدهی سابق را در محل کار خود ندارند.

در این مورد شرکت‌کننده شماره ۹ عنوان می‌کند که: *«وقتی تو خونه انرژی نگیرم در سرکارهم انرژی و اشتیاقی ندارم و میگم تا حالا چی شده که بعد این بخواد بشه و بیخیال شدم».*

شرکت‌کننده شماره ۱۷ افزود: *«حس می‌کنم دیگه مثل قبل از کارم لذت نمی‌برم و دچار فرسودگی شدم».*

تأثیرات مثبت شغلی: تأثیرات مثبت جدایی عاطفی بر شغل افراد شرکت‌کننده در مصاحبه به‌صورت رشد فردی نشان داده‌شده است و برخی اذعان داشتند که هیچ تأثیری بر شغلشان نداشته است و بیشتر وقت خود را در بیرون از منزل سپری می‌کنند.

در این مورد شرکت‌کننده شماره ۳ عنوان می‌کند که: *«با توجه به شرایط بد خانوادم و علاقه‌ای که به شغلم دارم سعی کردم حداقل در شغلم موفق‌تر بشم و این خلأ رو به‌وسیله شغلم پر می‌کنم».*

شرکت‌کننده شماره ۵ افزود: «شغلم طوری نیست که بخواد این مسائل روش تأثیر بزاره و همیشه مسائل شخصی و کاریم جدا بوده».

بحث و نتیجه‌گیری

هدف کلی این پژوهش واکاوی تجارب زیسته مردان از پیامدهای طلاق عاطفی است. پژوهش حاضر نشان داد که پیامدهای طلاق عاطفی شرکت‌کنندگان در ۳ طبقه کلی شناسایی شدند. طبقات اصلی عبارت‌اند از ۱- پیامدهای ارتباطی والد-فرزندی ۲- پیامدهای

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-07]

ارتباطی خویشاوندی ۳- تأثیرات واقع بر عملکرد فرزندان ۴-پیامدهای شغلی. این نتایج با یافته‌های ارجمندسیاهپوش و پیرامون (۱۳۹۳)؛ جعفرزاده و همکاران (۱۴۰۰)؛ لازیزاخوان[1] (۲۰۲۲)؛ صفائی راد و وارسته فر (۱۳۹۱)؛ باستانی و همکاران (۱۳۹۰)؛ هاشمی و همایونی، (۲۰۱۷) و صادقی (۱۳۹۵) همخوان است.

برای پیامدهای مؤثر بر رابطه والد-فرزندی مضامین، الگو گیری منفی فرزند از مادر، گسستگی رابطه مادر-فرزندی و گسست رابطه پدر – فرزندی استخراج گردید. این یافته با پژوهش جعفرزاده و همکاران (۱۴۰۰) همسو است. در همین تحقیق مضامینی چون خلأ ارتباطی و عاطفی فرزندان، غوطه‌ور بودن خانواده در هیجان‌های منفی، آشفتگی‌های روانی فرزندان، مشکلات الگوپذیری و شیوه‌های مقابلهٔ فرزندان با فشار روانی کشف شد. نتایج بیانگر آن است که براثر کارکرد ناسالم خانواده‌های دچار طلاق عاطفی، فرزندان به‌جای اینکه خانواده را پناهگاهی آرامش‌بخش بدانند، آن را عامل آشفتگی و تنش قلمداد می‌کنند؛ به‌طوری‌که افت عملکرد نقش والدینی ازجمله پیامدهای طلاق عاطفی می‌باشد و فشارهای روانی و گسستگی‌های عاطفی و شناختی حاصل از طلاق عاطفی در مادر موجب عدم کنترل ذهنی و درنتیجه پرخاشگری و عدم تمرکز کافی در انجام امور زندگی ازجمله فرزند پروری می‌شود. نتایج این پژوهش با مطالعات زمانی زارچی و همکاران (۱۳۹۷) و ابوالقاسمی (۱۳۹۷) مبنی براثر جو مخرب خانه بر ایجاد احساس تنهایی، ترس، ناامنی، طرد و نادیده انگاری همسوست. همچنین نتیجهٔ تحقیق یارنوزیابن و گارمنیدیا[2] (۲۰۱۶) مبین این است که نسل فعلی مایل به زندگی دور از اختلاف‌های والدین است. بر اساس گزارش مشارکت‌کنندگان، القای احساس گناه به فرزندان از زجرآورترین مسائل درون روانی بوده که فرزندان والدین طلاق عاطفی با آن درگیر بودند. در این راستا استفان و اولا (۲۰۰۸) نیز اشاره کردند که افت عملکرد نقش والدینی ازجمله پیامدهای طلاق عاطفی همسر می‌باشد طبیعی است که فشارهای روانی و گسستگی‌های عاطفی و شناختی حاصل از طلاق عاطفی در مادر موجب عدم کنترل ذهنی و در نتیجه پرخاشگری و عدم تمرکز کافی در انجام امور زندگی از جمله فرزند پروری می‌شود. همچنین افشا شدن این رابطه نزد فرزندان و مشاهده اختلافات بین والدین موجب بروز اختلالات در فرزندان نیز می‌شود. یکی از اساسی‌ترین نیازهای کودکان احساس امنیت و مراقبت است که از والدینشان انتظار دارند که برای آن‌ها ایجاد کنند (لاسترمن[3]،۱۹۹۸). همچنین ارجمندسیاهپوش و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی نشان دادند که بین طلاق عاطفی و پیامدهای آن بر فرزندان رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین طلاق عاطفی با بزهکاری فرزندان، افسردگی فرزندان و تعداد فرزندان همبستگی مثبت و معناداری مشاهده شده است.

یکی دیگر از پیامدهای ناشی از طلاق عاطفی، پیامدهای ارتباطی خویشاوندی است که شامل گسستگی روابط خانوادگی می‌باشد که باعث قطع ارتباط خانوادگی و یا محدود کردن ارتباط با خانواده می‌شود. این یافته‌ها با یافته لازیزاخوان (۲۰۲۲) همخوانی دارد. به‌طوری‌که در این پژوهش نشان داده شده است که طلاق عاطفی با متغیرهای ارتباطات اعضای خانواده با همدیگر، ارتباطات خانواده با اطرافیان رابطه معکوس و معنی‌دار وجود دارد. پژوهش صفائی راد و وارسته فر (۱۳۹۱) نیز حاکی از کاهش ارتباط با خانواده همسر به دنبال افزایش تعارضات و ارتباط آن با طلاق عاطفی است. در این پژوهش نیز مردان درگیر طلاق عاطفی از گسستگی روابط خویشاوندی و رابطه با خانواده همسر صحبت کردند که در مداخلات روانی لازم به توجه است.

از دیگر پیامدهای ناشی از طلاق عاطفی، تأثیرات واقع بر عملکرد فرزندان است که شامل مشکلات تحصیلی فرزندان، تأثیر در ازدواج فرزندان، مشکلات رفتاری – عاطفی فرزندان و مشکلات طبی فرزندان می‌باشد. باستانی و همکاران (۱۳۹۰) و هاشمی و همایونی، (۲۰۱۷) نشان دادند که طلاق عاطفی موجب بروز اضطراب شدید در فرزندان، انزوا و گوشه‌گیری، فرار از خانه، افت تحصیلی فرزندان، احساس عدم امنیت و پرخاشگری می‌گردد. همچنین صادقی (۱۳۹۵) در پژوهشی نشان داد که وقتی زن و شوهر با یکدیگر ارتباط نداشته باشند و در جهت حل اختلافات و مشکلات خود گامی برندارند طلاق عاطفی رخ می‌دهد و در پی این وضعیت کودکان با مشکلاتی از قبیل ترس از دست دادن والدین، احساس تنهایی و آسیب روحی به خاطر شرایط والدین روبرو می‌گردند و این کودکان در برخورد با طلاق عاطفی والدین واکنش‌های متفاوتی دارند ازجمله این واکنش‌ها، گروهی از آنان منفعل بوده و راه انزوا را در پیش می‌گیرند و گروهی در جهت بهتر کردن اوضاع خود و والدینشان قدم برمی‌دارند. پژوهش تاداتیل و سریرام[4] (۲۰۲۰) نیز نشان می‌دهد که جدایی عاطفی اثرات مخربی بر روی خانواده و فرزندان بر جای می‌گذارد. در سایر تحقیقات نیز نشان داده‌شده است که طلاق عامل استرس‌زای بسیار قوی می‌باشد که

1. Lazizakhon
2 Yárnoz-Yaben ,& Garmendia
3 Lusterman
4. Thadathil, & Sriram

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-07]

فرزندان را به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد (سادرزلند[1] و همکاران، ۲۰۱۲؛ شاهسوند بغدادی و جونکی، ۱۳۹۴). در این میان، استرس بیشتری به فرزندان وارد می‌شود و متعاقباً مشکلات هیجانی، تحصیلی و رفتاری ازجمله آسیب‌های روان‌شناختی ازجمله انزوا، اضطراب، افسردگی، مشکلات اجتماعی، مشکلات مربوط به توجه و افکار و رفتارهای خشونت‌آمیز بیشتری را از خود نشان می‌دهند (مورفی[2] و همکاران، ۲۰۱۸). همان‌طور که در این تحقیق هم ملاحظه شد فرزندان به‌عنوان آسیب‌پذیرترین قشر حتی از سردی رابطه والدین دچار آسیب می‌شوند.

یکی دیگر از پیامدهای ناشی از طلاق عاطفی، پیامدهای شغلی در مردان درگیر طلاق عاطفی است که شامل تأثیرات منفی شغلی و تأثیرات مثبت شغلی بود. برای پیامد تأثیرات منفی شغلی فرسودگی شغلی، از دست دادن شغل، عدم تمرکز و بی‌انگیزگی شناسایی شدند. یافته‌های این پژوهش با برخی یافته‌های گذشته همخوانی دارد. پژوهش هیلر[3] و ریکولز[4] (۲۰۰۳) نشان داد که شوک‌های اقتصادی از طریق تحولات فرهنگی نرخ طلاق را افزایش می‌دهد. همچنین اشاره می‌کند که بین تورم اقتصادی، ناامنی اجتماعی و تعرض بین روابط زن و شوهر و افزایش نرخ طلاق رابطه‌ی مثبت وجود دارد. بیکاری و نداشتن درآمد، درآمد کم، عدم ثبات شغلی و غیره ممکن است باعث فشار، دشمنی، تیرگی روابط زناشویی، بی‌ثباتی خانواده و تعارض در خانواده گردد. برخی شرکت‌کنندگان اشاره داشتند که محیط نامساعد خانه انگیزه و تمرکز کافی را از آن‌ها گرفته و دیگر بازدهی سابق را در محل کار خود ندارند. از طرف دیگر، برای پیامد تأثیرات مثبت شغلی کدهای رشد فردی و پر کردن خلأها به‌واسطه شغل شناسایی شدند. این یافته‌ها با یافته بانت[5] و همکاران (۲۰۲۱) همسو می‌باشد. به‌طوری‌که در پژوهش خود در بررسی میزان طلاق عاطفی و پیامدهای اجتماعی و روانی آن نشان دادند که طلاق عاطفی با متغیرهای ارتباطات اعضای خانواده با همدیگر، ارتباطات خانواده با اطرافیان، موفقیت‌های شغلی و توجه به فرزند، رابطه معکوس و معنی‌داری دارد؛ اما از جهتی دیگر رشد شغلی مثبت افراد در این پژوهش به‌دست‌آمده است که احتمالا نشان از تمرکز انرژی افراد درگیر طلاق عاطفی بر روی کار به‌عنوان عاملی خالی از استرس و برای روی برگرداندن از مشکلات و رهایی از فشارهای همسر و مدیریت زمان، نهایتاً منجر به تأثیرات مثبتی در جهت پیشبرد اهداف شغلی شده است.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، طلاق عاطفی بر رابطه والد فرزندی، ارتباط خویشاوندی، عملکرد فرزندان و عملکرد شغلی مردان تأثیرگذار بوده است. بدین ترتیب می‌توان به نقش طلاق عاطفی در ایجاد اختلال در کارکردهای خانواده اشاره داشت و بنابراین توجه به نتایج این پژوهش در راستای فهم بیشتر این پدیده و طراحی مداخلاتی برای حل آن دارای اهمیت است.

توجه به پیامدهای طلاق عاطفی از دیدگاه مردان از تمایزات این پژوهش نسبت به مطالعات پیشین است. محدودیت این پژوهش به انجام مصاحبه در فضای مجازی به دلیل شرایط قرنطینه ناشی از بیماری کرونا برمی‌گردد که موجب تسلط کمتر مصاحبه‌گر بر جریان مصاحبه می‌شود. مورد دیگر، محدود شدن نمونه‌گیری به دو شهر تهران و زنجان بوده که می‌تواند با توجه به فرهنگ خاص هر منطقه منجر به تغییر نتایج گردد. در پایان، همان‌طور که یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، طلاق عاطفی پیامدهای متفاوتی را برای مردان به دنبال دارد و لازم است در درمان‌های زوجی و مداخلات قبل از طلاق به این موارد توجه گردد. برخی از مشاوران به دلیل تمرکز و دید تونلی به یک یا دو جنبه از پیامدهای طلاق عاطفی توجه می‌کنند و از سایر پیامدها غافل می‌مانند و همین عوامل ممکن است از طرق دیگری تأثیرات مخربی بر رابطه و فرایند درمان بگذارد. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی به مقایسه پیامدهای طلاق عاطفی در زنان و مردان پرداخته شود و یک ابزار سنجش برای پیامدهای طلاق عاطفی تهیه و اعتبار یابی شود. همچنین تحقیقات لازم است بیشتر به سمت مداخلات درمانی سوق داده شود. این تحقیق با توجه به نمونه جدید و متمرکز بر مردان می‌تواند بابی برای درک دنیای زیسته مردان و راهنمایی برای درمانگران حوزه زوج و خانواده باشد.

منابع

آسایش، م.ح. (۱۳۹۶). تدوین الگوی چندبعدی مشاورهٔ پس آسیب و اثربخشی آن بر انصراف از طلاق، رضایت زناشویی و سلامت روان زوج‌های با سابقه بی‌وفایی. رساله دکتری، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

1. Sutherland
2 .Murphy
3 .Hiller
4. Recoules
5. Bonnet

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-07]

ابراهیمی، ل؛ حیدری، ر.(۱۳۹۹). پیش‌بینی گرایش به طلاق عاطفی بر اساس ویژگی‌های شخصیتی، باورهای فراشناختی و بلوغ عاطفی زوجین. *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۹(۷۴)، ۳۶-۶۱.

ابوالقاسمی، ب. (۱۳۹۷). *بررسی تجارب زیسته فرزندان طلاق و نحوه مواجهه آن‌ها در مدرسه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

ارجمندسیاهپوش، ا؛ پیرامون، ن.(۱۳۹۳). بررسی آسیب‌شناختی طلاق عاطفی از دید زنان (۲۰ تا ۳۹ ساله) و پیامدهای آن بر فرزندان ساکن در شهرک بعثت شهرستان ماهشهر. *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*،۵(۱۴)،۹-۲۲.

اسکندی، ز؛ رفعت ماه، ک؛ فهندژسعدی، پ. (۱۳۹۹). طلاق عاطفی و تأثیر آن در تربیت فرزندان. *هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران*، تهران.

اصل, ناهید, دوکانه ای فرد, فریده و جهانگیر, پانته آ. (۱۴۰۱). ارائه مدلی برای پیش بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک های دلبستگی، صفات شخصیت و خودکارآمدی شغلی با میانجیگری حمایت اجتماعی ادراک شده در زنان متاهل شاغل. خانواده درمانی کاربردی, ۳(۱), ۳۱۱-۳۳۸.

باستانی، س؛ گلزاری، م و روشنی، ش.(۱۳۹۰). پیامدهای طلاق عاطفی و استراتژی‌های مواجهه با آن. *خانواده پژوهشی*،۷(۲۶)، ۲۴۱-۲۵۷.

بهره گیر، ن.(۱۳۹۸). *تجربه زیسته زنان از طلاق عاطفی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

بیات مختاری، ث. (۱۳۹۲). اثربخشی واقعیت درمانی گروهی بر کاهش طلاقعاطفی و پیامد های روان شناختی آن. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد

جعفر زاده، د؛ شریعتمدار، آ و قره داغی، ع.(۱۴۰۰). توصیف تجربه زیسته فرزندان والدین دچار طلاق عاطفی. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۰(۴)،۱۱۷-۱۴۰.

خدابخشی کولایی، آ؛ فلسفی نژاد، م و صبوری، ز.(۱۳۹۸). بررسی میزان و مؤلفه‌های طلاق عاطفی در پرستاران متأهل بیمارستان‌های شهر تهران. *پژوهش توان‌بخشی در پرستاری*، ۵(۳)، ۳۹-۴۶.

دهقانی، ز؛ محمدی، ا و حقیقتیان، م.(۱۳۹۸). بررسی جامعه‌شناختی پیامدهای اجتماعی طلاق عاطفی زنان شهر تهران طی سال‌های ۹۷-۹۶ بر اساس معادلات ساختاری. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۸(۲۴)،۹۷-۱۱۵.

رمضانی فر، ح؛ کلدی، ع و قدیمی، ب.(۱۴۰۰). تحلیل عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی در زنان متأهل شهرستان تنکابن. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۹(۲)، ۱۶۷-۱۹۱.

زمانی زارچی، م، غلامعلی لواسانی، م، اژه ای، ج، حسین زاده اسکویی، ع و صمدی کاشان، س. (۱۳۹۷). مطالعه پدیدارشناسانه تجارب هیجانی و ذهنی فرزندان طلاق. *پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، ۱۲(۱)، ۲۴-۳۶.

شاهسوند بغدادی، ط و طاووسی جونکی، س(۱۳۹۴). مقایسه‌ی میزان عزت‌نفس و سلامت روان در فرزندان طلاق و بهنجار. *کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی.۵-۱۰.*

صادقی، ف. (۱۳۹۵). *طلاق عاطفی و فرزندان (مطالعه به روش گراندد تئوری)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، تهران: دانشگاه الزهراء.

صفایی راد، س و وارسته فر، ا.(۱۳۹۰). رابطه بین تعارض‌های زناشویی با طلاق عاطفی زنان مراجعه‌کننده به دادگاه‌های شرق تهران. *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، ۵(۲۰)، ۸۵-۱۰۶.

طیبی ابوالحسنی، ا. (۱۳۹۸). درآمدی بر روش تحقیق: رویه های استاندارد تحلیل داده های کیفی. *سیاست نامه علم و فناوری*، ۹(۲)، ۶۷-۹۵.

کرسول، ج.د.(۲۰۰۹). *طرح پژوهش: رویکردهای کمی، کیفی و شیوه ترکیبی*، ترجمه: حسن دانایی‌فرد و علی صالحی (۱۳۹۰). تهران: مهربان نشر، چاپ اول.

علاقبند، ل؛ پاشا شریفی، ح؛ فرزاد، و آقایوسفی، ع.(۱۳۹۹). پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سواد عاطفی، سبک‌های مقابله‌ای، کیفیت زندگی، هیجان خواهی با میانجی‌گری تاب‌آوری. *مجله علوم روان‌شناختی*، ۱۹(۹۰)، ۷۳۳-۷۴۳.

مامی، ش. عسکری، م. (۱۳۹۳). نقش تمایزیافتگی خود و سبک های دلبستگی در پیش بینی طلاق عاطفی،همایش منطقه ای آسیب شناسی پدیده ی طلاق،سقز.

موسوی، ف و رحیمی نژاد، ع.(۱۳۹۴). مقایسه منزلت‌های هویت بین فردی زنان و مردان متأهل با توجه به وضعیت طلاق عاطفی. *مجله پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*،۶(۱)، ۱۱-۲۴.

یزدانی، ع؛ حقیقتیان، م؛ کشاورز، ح. (۱۳۹۲). تحلیلی بر کیفیت زندگی زنان دچار طلاق عاطفی (مطالعه موردی شهرکرد). *فصلنامه راهبرد اجتماعی – فرهنگی*، ۲ (۶)،۱۵۹-۱۸۵.

Ahmadloo, M., & Zeinali, A. (2018). Predicting of emotional divorce based on variety seeking, negative perfectionism and insecure attachment among employed women of Urmia city. *Iran Occupational Health*, *15*(2), 59-68.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-07]

https://www.scopus.com/inward/record.uri?eid=2-s2.0-85053894480&partnerID=40&md5=bdf8246cfc99dc7a83aff88f58b1bc5b

Anderberg, D., Rainer, H., & Roeder, K. (2018). Family-specific investments and divorce with dynamically inconsistent households: Marital contracts and policy. *Journal of economic behavior & organization*, *148*, 199-225. https://doi.org/ https://doi.org/10.1016/j.jebo.2018.02.019

Bonnet, C., Garbinti, B., & Solaz, A. (2021). The flip side of marital specialization: the gendered effect of divorce on living standards and labor supply. *Journal of Population Economics*, *34*(2), 515-573. https://doi.org/https://doi.org/10.1007/s00148-020-00786-2

Dewilde, C., & Stier, H. (2014). Homeownership in later life – Does divorce matter? *Advances in Life Course Research*, *20*, 28-42. https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.alcr.2014.01.002

Eslami, M., Yazdanpanah, M., Andalib, P., Rahimi, A., Safizadeh, M., Dadvar, A., & Nakhaee, N. (2020). Marital satisfaction and emotional divorce among Iranian married individuals: A survey of hospital visitors of nine provinces. *Journal of education and health promotion*, *9*(1), 83. https://doi.org/https://doi.org/10.4103/jehp.jehp_570_19

Hannum, J. W., & Dvorak, D. M. (2004). Effects of Family Conflict, Divorce, and Attachment Patterns on the Psychological Distress and Social Adjustment of College Freshmen. *Journal of College Student Development*, *45*(1), 27-42. https://doi.org/10.1353/csd.2004.0008

Hashemi, L., & Homayuni, H. (2017). Emotional Divorce: Child's Well-Being. *Journal of Divorce & Remarriage*, *58*(8), 631-644. https://doi.org/https://doi.org/10.1080/10502556.2016.1160483

Hiller, V., Recoules, M., (2003)." Changes in divorce patterns: Culture and the law". *Journal of International Review of Law and Economics*. 34,77-87. https://econpapers.repec.org/RePEc:eee:irlaec:v:34:y:2013:i:c:p:77-87

Jarwan, A. S., & Al-frehat, B. M. (2020). Emotional Divorce and Its Relationship with Psychological Hardiness. *International Journal of Education and Practice*, *8*(1), 72-85. https://doi.org/https://doi.org/10.18488/journal.61.2020.81.72.85

Lazizakhon, I. (2022). DIVORCE AND ITS CONSEQUENCES. *World Bulletin of Social Sciences*, *9*, 120-121. https://doi.org/https://scholarexpress.net/index.php/wbss/article/view/839

Lusterman D D. (1998). Infidelity: Asurvival guide. Oakland, CA: New harbinger publications.

Murphy, K. L., Martin, M., & Martin, D. (2018). Parental Stress and Parent-Child Relationships in Recently Divorced, Custodial Mothers. *European Journal of Educational Sciences*, *5*(2), 1-14. http://dx.doi.org/10.19044/ejes.v5no2a1.

Parvin, Sm., Davoodi, M., Mohamadi, F.(2012). Sociological factors affecting emotional divorce among Tehran families. J Women's Soc Cult Council, 14(56),119-53

Rasheed, A., Amr, A., & Fahad, N. (2021). Investigating the Relationship between Emotional Divorce, Marital Expectations, and Self-Efficacy among Wives in Saudi Arabia. *Journal of Divorce and Remarriage*, *62*(1), 19-40. https://doi.org/10.1080/10502556.2020.1833290

Rasheed, A., Amr, A., & Fahad, N. (2021). Investigating the Relationship between Emotional Divorce, Marital Expectations, and Self-Efficacy among Wives in Saudi Arabia. *Journal of Divorce & Remarriage*, *62*(1), 19-40. https://doi.org/https://doi.org/10.1080/10502556.2020.1833290

Refahi, Z. (2016). Relation between attachment styles and marital conflicts through the mediation of demographic variables in couples. *International Journal of Medical Research & Health Sciences*, 5(11), 643-652. https://www.ijmrhs.com.

Sharma, B. (2011). Mental and emotional impact of divorce on women. *Journal of the Indian academy of applied psychology*, *37*(1), 125-131.

Stokkebekk, J., Iversen, A. C., Hollekim, R., & Ness, O. (2019). "Keeping balance", "Keeping distance" and "Keeping on with life": Child positions in divorced families with prolonged conflicts. *Children and Youth Services Review*, *102*, 108-119. https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2019.04.021

Sutherland, K. E., Altenhofen, S., & Biringen, Z. (2012). Emotional availability during mother-child interactions in divorcing and intact married families. *Journal of Divorce & Remarriage*, 53, 126-141. https://psycnet.apa.org/doi/10.1080/10502556.2011.651974

Thadathil, A., & Sriram, S. (2020). Divorce, Families and Adolescents in India: A Review of Research. *Journal of Divorce & Remarriage*, *61*(1), 1-21. https://doi.org/https://doi.org/10.1080/10502556.2019.1586226

Tina D. Du Rocher Schudlich, Nicole M. Stettler, Kristen A. Stouder, & Chelsea Harrington. (2013). Adult Romantic Attachment and Couple Conflict Behaviors: Intimacy as a Multi-Dimensional Mediator .*International Journal on Personal Relationships*, 7(1), 26–43. https://doi.org/10.5964/ijpr.v7i1.107

Yárnoz-Yaben, S., & Garmendia, A. (2016). Parental divorce and emerging adults subjective wellbeing: the role of carrying messages. *Journal of Child and Family Studies*, 25 (2), 638–646. https://psycnet.apa.org/doi/10.1007/s10826-015-0229-0

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-07]